هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم



فرازهایی از سخنرانی شهید صلح در همایش معرفی اعضای کمیسیون تدارک مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان

یکشنبه ۱۱ ثور ۱۳۹۰ هوتل کانتی نینتال - کابل

ص۳

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و هشتم ۲۰ حوت ۱۳۹۰ ۱۷ ربیع الثانی ۱٤۳۳ - 10 March 2012

مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان برگزار می گردد

صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی:

برگزاری مجمع عمومی یکی از آرزوهای رهبر شهید بود و هرگونه تلاش برای راه اندازی این مجمع عمومی، کاریست در خور اهمیت و قابل تحسین.

واقف حکیمی رئیس برگزاری مجمع عمومی جمعیت اسلامی:

اعضای این کمیسیون که توسط رهبر شهید انتخاب گردیده بود، اکنون رسالت بزرگی در جهت راه اندازی جلسهٔ مجمع عمومی برای تعیین و انتخاب رهبری به عهدهٔ دارند. ص۳





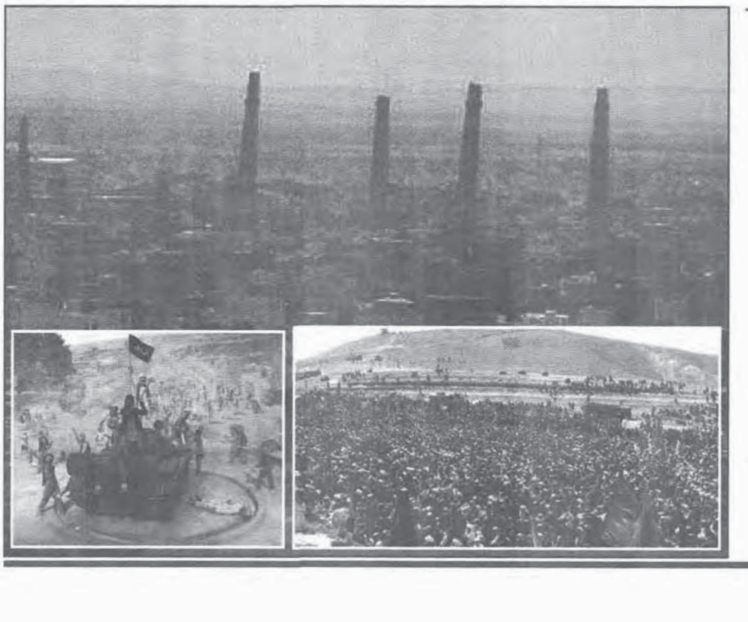
عوامل و انگیزه های قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات

◆**سید محمد خیرخواه**

با کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷و فشار بی حد و حصر حزب دموکراتیک خلق بالای مردم افغانستان، چنانچه هم زمان با کودتای ثور دست به کشتار مردم زدند و چنان بی رحمانه و وحشیانه عمل کردند که تاریخ گذشتهٔ افغانستان کمتر مثال آن را به خود دیده بود- نامردی ها، بی مروتی ها، تاراج گری ها و غصب املاک مردم به حدی زیاد بود که هیچکس احساس امنیت نمی کرد و هیچ یک از اقشار مردم در امان نبودند. ترس و وحشت در اندک زمانی در همه سرزمین افغانستان سایه افگنده بود چنانچه دکتور حقشناس یکی از نویسندگان دورهٔ جهاد در این باره چنین می نویسد: رعب و ترس در اندک زمانی همه جا را فرا گرفته بود و کابوس وحشتناک مرک بر هوا و فضای کشور سایه افگنده، دژخیمان ظالم همه جا با نیزه بر دست و ضبط الصوت در زیر بغل جلوه نمائی می کردند و همین که قد و قامت کسی در نگاه شان مطلوب هم نمی خورد فوری او را می گرفتند و به شکنجه گاهش می بردند.

عمارت صدارت، زیر خانه های وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت مالیه و چندین خانه و سرای دیگر همه برای شکنجه و نگهداشت زندانیان اختصاص داده شده بود. و شب ها تا سحر انسان های بیگناه و وطن دوست و مسلمان را تعذیب و شکنجه می کردند. انواع شکنجه ها و وسایلی که از آنها در این زمینه استفاده می شد چنان زیاد و ننگین و دور از کرامت انسانی بود که نمی توان از آنها یاد کرد.

افرادی که توسط رژیم گرفتار می شدند ماه ها از سرنوشت آنها وابستگان شان آگاهی نداشتند و در این مدت بسا از مردم در زیر شلاق و ضربات و حین ص ۴



اگر فرزندان آزاده و مومن افغانستان در چنین قیام های خونین شرکت نمی جستند، و به دفاع از استقلال و آزادی، دین و فرهنگ خویش جان های شیرین شان را قربان نمی نمودند، دیگر امروز افغانستان مستقل و ملت آزاد آن را نمی داشتیم.

از پیام شهید صلح بمناسبت قیام ۲٤ حوت سال ۱۳۸۲

سرمقاله

ماه حوت، ماه قیام و شهادت ص۲

سوزن زر و جامهٔ سفید

بمناسبت قیام ۲۴ حوت هرات باستان ص ۶

شادروان استاد خلیل الله خلیلی

حوت خونین در هرات ص ۴

شعر از فدایی هروی

تاریخ زنده است

قیام مردمی ۲۴ حوت ص ۲

محمد نسیم فقیری

معمای پیمان استراتژیک ص۲

انجنیر سبزوار

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارۀ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ /۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

ماه حوت، ماه قیام و شهادت

ملت های متحد و یکپارچه، بیدار و با انگیزه، در طول تاریخ از میان حوادث موفق و سرافراز بدرآمده، زیر بار ظلم و فشار زورمندان نرفته اند. همانست که در برابر نابرابری ها و استبداد قیام کرده اند، از جان و مال شان صادقانه گذشته اند، تا درفش پرافتخار آزادی و آزاد زیستن را کمایی کرده اند.

تاریخ شاهد است که، مردم شجاع و متدین کشورما در طول ادوار تاریخ در برابر هر متجاوزی، با متانت و مردانگی قد علم کرده، پوز آنها را به خاک مالیده است. گرچه رویدادهای تاریخی گذشته را می توان از صفحات کتاب هایی که تاریخ نویسان به رشتۀ تحریر در آورده اند، دریافت. اما در چهار دهۀ اخیر اکثریت باشندگان کشورما شاهد زندۀ رویدادها، حوادث و قیام های قهرمانانه در این کشور اند.

قیام های مردم مسلمان ما در گوشه و کنار کشور قابل تمجید و قدردانی است. اما دو قیام بزرگ و تاریخی در مرکز دو شهر بزرگ کشور، یکی کابل پایتخت و دیگری شهر هرات باستان، پایه های رژیم مزدور و کاخ کرملین را به لرزه در آورد. رمز موفقیت این قیام ها در اتحاد مردم مسلمان نهفته بود.

در قیام هرات باستان در روز ٢٤ حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی که هنوز حدود ۱۱ ماه از عمر رژیم مزدور وابسته به اتحاد شوروی سابق می گذشت، با درک واقعیت ها، با دست خالی، ولی با خشم در برابر الحاد و دهریت، به جاده ها ریختند و نفرت و انزجارشان را در برابر رژیم وقت به نمایش گذاشتند. اما رژیم تازه به قدرت رسیده که به نام خلق (!) حاکمیت را به دست گرفته بود، به کشتار مردم پرداخت، دستگیر و شکنجه کرد. در این روز گفته می شود ۲۵۰۰۰ مردم هرات باستان توسط رژیم مزدور و حمایت هوایی باداران شان به شهادت رسیدند. این شهادت ها موجی شد که سراسر کشور را فرا گرفت، تمام مردم مسلمان کشور قیام کردند. ماه حوت را می توان ماه قیام و شهادت نامید. روح همه شهدای دوره های جهاد و مقاومت، و رهبر شهید را شاد می خواهیم.

مسؤولیت دولت است تا برای زنده نگهداشتن این حماسه ها و قهرمانی های ملت فداکار، و از این افتخارات کلان ملی، تجلیل نماید. یاد و خاطرۀ قهرمانان و شهداء را زنده نگهدارد، اهداف و آرمان های آنها تعقیب و درج تاریخ شود تا به نسل های بعدی انتقال گردد. به جانبازان دوره های جهاد و مقاومت رسیدگی شود، از مجاهدان سالمند این دوره ها تقدیر بعمل آید.

تجلیل از روزهای تاریخی و افتخار آفرین کشور را فقط با تجلیل و یادآوری سالروز آن، آنهم در محلات خلاصه نسازند. به پاس فداکاری این ملت غیور، ملتی که در یک روز هزاران شهید به خاطر رضای خداوند، آزادی، دفاع از دین، نوامیس ملی و تمامیت ارضی کشور تقدیم نموده است، این روز را روز ملی اعلان نماید.

پیشنهادات بالا به رهبران و فرماندهان مطرح جهاد و مقاومت هم بر می گردد تا در این راستا بی تفاوتی پیشه نموده، به خاطر زنده نگهداشتن و گرامیداشت افتخارات دوره های جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان توجه بخرج دهند. زیرا سال به سال کمرنگی در تجلیل روزهای تاریخی مشاهده می شود که حتی از سالروز پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان (۸ ثور) تجلیل شایانی بعمل نمی آید.

معمای پیمان استراتژیک

ابوبکر سبزوار

درست یک سال قبل بود که حامدکرزی در مراسمی به مناسبت روز جهانی زن در ۸ مارچ ۲۰۱۱ با اعلام نیاز افغانستان به داشتن رابطۀ استراتژیک با امریکا، از فراخوانی لویه جرگه برای بحث و تصمیم روی این مسئلۀ سرنوشت ساز در آیندۀ نزدیک خبر داد.

همزمان با ادامۀ بحث ها در خصوص ایجاد پایگاه های دایمی نظامی امریکا در افغانستان، مقامات حکومت افغان از آغاز گفتگو های تخنیکی با یک هیأت امریکایی در زمینۀ مناسبات استراتژیک پرده برداشتند. سخنگوی رئیس جمهور کرزی روز دوشنبه ۱۴ مارچ ۲۰۱۱ به خبرنگاران گفت که، این هیأت جزئیات تخنیکی در مورد همکاری های استراتژیک با افغانستان را مورد بحث قرار می دهد که مسالۀ ایجاد پایگاه های دایمی نظامی در افغانستان نیز جز آنست.

سرانجام ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی این جرگه با بیانیۀ رئیس جمهور کرزی گشایش یافت. رئیس جمهور در بیانیۀ افتتاحیۀ خود گفت: "ما تثبیت حاکمیت ملی خود را به هر عنوان می خواهیم و همین امروز می خواهیم، رابطه بین ما و امریکا باید رابطه بین دو کشور مستقل باشد، امریکا قدرتمند است، پول دارد، بزرگ است، اما ما شیر استیم، امریکا باید با شیرمعامله کند، دراین صورت ما حاضر استیم با امریکا پیمان ستراتیژیک عقد کنیم، اگر تسهیلات نظامی می خواهد برای شان می دهیم اما باید منفعت، دیدگاه و موقف افغانستان واضح و ثابت باشد."

شرایطی که حامدکرزی برای امضای قرارداد استراتژیک با امریکا برشمرد چنین بود: "می خواهیم با شرایط ما که همانا حاکمیت ملی ما، نرفتن به خانه های ما، نگرفتن بندی در افغانستان است احترام کنند، حق ندارد که مردم افغانستان را بندی کند، حق ندارد در افغانستان بندی خانه داشته باشد، با این شرایط افغانستان حاضر است با امریکا پیمان استراتیژیک امضا کند."

آقای کرزی گفت، برای اطمینان به همسایه ها و کشورهای منطقه باید گفت که حضور درازمدت امریکا در افغانستان و عقد سند استراتیژیک با امریکا تهدیدی برای کشورهای منطقه و به خصوص همسایه های این کشور نیست و این موضوع نیز از جمله شرایط حکومت افغانستان برای امضای سند استراتیژیک با امریکا است.

رئیس جمهور همچنان از پیشرفت ها و دستآوردهای ده سال گذشتۀ افغانستان یاد کرد اما گفت، جامعۀ جهانی در جنگ علیه تروریزم طی سال های گذشته مؤفقیت های قابل ملاحظه نداشته است.

جامعۀ جهانی برای چیزی که اینجا آمد، مردم افغانستان را به آن نرساند، در جایی رساند، در جایی نرساند، با ما کمک کردند، پول دادند، در برخی از دستآوردهای ما شریک اند، اما به خواستۀ افغان ها که کوچه، بازار و خانۀ ما امن شود نرسیدیم، جنگ علیه تروریزم مؤفق نشده است."

لویه جرگه به کار آغاز کرد و در پایان کار شرایطی را برای پیمان استراتژیک با امریکا پیشنهاد کرد که هرگز نمی توانست مورد قبول امریکا باشد.

رئیس جمهور کرزی به کمیسیون مسوول مذاکره با امریکا در مورد قرارداد استراتژیک دستور داد تا فیصله های جرگۀ عنعنوی را در مذاکرات با امریکا کاملاً در نظر گیرد. حامدکرزی فقط دو موضوع را به عنوان شرایط حکومت افغانستان به جانب امریکا بیان کرد؛ خودداری نیروهای خارجی از بازرسی های شبانه و سپردن مسوولیت زندان ها به نیروهای افغان.

جانب امریکا تاکید می نماید که بازرسی های شبانه برای فعالیت امریکا در افغانستان نقش حیاتی دارد و کنار نهادن آن به معنی قبول چالش های بیشتر برای جان سربازان این کشور در افغانستان خواهد بود.

از جانب دیگر خواست امریکا نیز در این رابطه مشخص نیست. گفته شده که امریکا در صدد امضای یک اعلامیۀ استراتژیک با افغانستان است تا الزامیتی برای آن کشور در قبال نداشته باشد اما حکومت افغانستان خواهان امضای پیمان راهبردی است. اکنون به نظر می رسد که جانب افغانی روی این مسئله هم تاکید ندارد.

امریکایی ها به صورت مقطعی از حکومت افغانستان تقاضای امضای این قرارداد را دارند ولی بعداً دست به اعمالی می زنند تا امضای قرارداد به تعویق افتد. آخرین ماجرا از این دست، سوزانیدن قرآن مجید در پایگاه بگرام بود که به عکس العمل های گستردۀ مردمی در افغانستان منجر گردید و عکس العمل تند را در پارلمان کشور در قبال داشت.

در عین حال سخنان ضد و نقیض در مورد آیندۀ حضور نیروهای خارجی در افغانستان نیز سوال های زیادی را به میان آورده است. گفته می شود امریکا قصد دارد بعد از سال ۲۰۱۴ بیست هزار نیرو را در پایگاه های خویش در افغانستان نگهدارد که نیروهای مخصوص امریکا بوده و تحت فرمان سازمان استخبارات امریکا (سیا) عمل خواهد کرد. به معنی دیگر بعد از سال ۲۰۱۴ جنگ امریکا در افغانستان مبدل به جنگ استخباراتی خواهد شد. اما اکنون یک منبع دیگر امریکایی می گوید که، فرماندهی این نیروها به دست سیا نخواهد بود. این اظهارات ضد و نقیض موجب می شود تا در مورد استراتژی امریکا در مورد افغانستان ابهامات زیادی به میان آید. حکومت افغانستان در چنین جوی از ابهامات چگونه برای امضای این سند استراتژیک ابراز آمادگی می کند؟ آیا این معماها برای آقای کرزی سوال برانگیز نیست؟

حقیقت امر اینست که اکنون تغییر مهمی در سیاست امریکا در قبال افغانستان به میان آمده است. اگر این پیمان با حکومت افغانستان امضاء شود، مذاکرات قطر به شکست مواجه خواهد شد زیرا اولین شرط طالبان از امریکا اینست که باید تاریخ خروج نیروهای خود را از افغانستان اعلام نمایند. حضور طویل المدت امریکا از نظر طالبان ادامۀ اشغال افغانستان و به معنی ادامۀ جنگ در این کشور خواهد بود. امریکا نمی خواهد مذاکرات قطر به شکست مواجه گردد.

تاریخ زنده است

قیام مردمی ۲۴ حوت

افغانستان کشور قیام ها و خیزش های مردمی است. مردم مسلمان و بیدار کشورما در برابر تهاجم نظامی و لشکرکشی همه قدرت های استعماری، همواره بیدار و تسلیم ناپذیر بوده اند. مردم ما همه مشکلات زندگی را پذیرفته ولی در برابر ستم و بیداد، استعمار و تهاجم، سرخم نکرده اند. مردم ما همه ناگواری ها و رنج ها را تحمل کرده ولی در برابر استعمار به صورت جدی قرار گرفته و هرگز آن را تحمل نکرده اند. درست است که مردم قهرمان افغانستان در برابر ستم و بیداد داخلی نیز مبارزه کرده و بسیاری از سرها و سردارها را به خاک و خون کشیده اند... ولی حساسیت و مخالفت شدید مردم ما در برابر مداخله و تجاوز خارجی بیش از حد بوده و در دنیا شهرت دارد.

مردم افغانستان گرچه سال های ستم و استبداد نظام دیکتاتوری داوود خان را تحمل و تجربه کرده بودند ولی با کودتای سرخ و خونین هفت ثور، میزان تحمل آنان از حد گذشت و در برابر ستم و استبداد حکومت کمونیستی از هر جای کشور قیام ها صورت گرفت... رژیم مغرور و سرمست پیروزی به قیام های مردمی توجه نکرد و همۀ این قیام ها را مداخله و تجاوز خارجی ها و امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه قلمداد کرد... رژیم ادعا می کرد که همه مردم از رژیم جدید استقبال کرده و ده ها هزار نفر در مارش ها در حمایت از رژیم خلقی شرکت می نمایند ص۳

مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان برگزار می گردد

نذرالله عنایت

به تاریخ ۱۴ حوت سال روان، اعضای کمیسیون تدارکات برگزاری مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان، در دفتر مرکزی تشکیل جلسه دادند. در این نشست که صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی نیز حضور داشتند، بیش از ۹۰ نفر از اعضای شورای اجرائیه و شخصیت های مهم این حزب ملی و سراسری به شمول نمایندگان رجال برجسته اشتراک ورزیده بودند. همایش با تلاوت آیات ملکوتی قرآنکریم آغاز گردید و سپس آقای واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی و رئیس کمیسیون برگزاری کنگره با تشریح و توضیح آجندای این همایش پرداخت. واقف حکیمی مهمترین آجندای جلسه را تعیین منابع مالی و تاریخ برگزاری این همایش عنوان نمود. همچنان وی با بیان اینکه اعضای این کمیسیون طی همایشی در هتل انترکانتیننتال توسط رهبر شهید انتخاب گردیده بود، تصریح گردد که اکنون این مجموعه رسالت بزرگی در جهت راه اندازی جلسهٔ مجمع عمومی برای تعیین و انتخاب رهبری به عهده دارد. واقف حکیمی از تمام منسوبان این حزب خواست برای برگزاری کنگره تلاش های جدی نمایند.

در این نشست صلاح الدین ربانی فرزند ارشد رهبر شهید و سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان گفت: برگزاری مجمع عمومی یکی از آرزوهای رهبر شهید بود و هرگونه تلاش برای راه اندازی این مجمع عمومی، کاریست در خور اهمیت و قابل تحسین. وی تصریح نمود که برای تسریع بخشیدن تلاش های سیاسی، لازم است جمعیت اسلامی افغانستان رهبری منتخب داشته باشد.

آقای صلاح الدین ربانی، ضمن بر شمردن تلاش ها و نگاه این حزب به مسایل پیرامونی، از جمله موضوع صلح تأکید کرد که جمعیت اسلامی افغانستان با ادامهٔ همان تلاش های گذشته راجع به مسایل ملی چون صلح به تلاش های خود ادامه داده و باور دارد که بدون تأمین صلح هرگونه توسعه و پیشرفت در کشور غیر ممکن به نظر می رسد.

آقای ربانی گفت: جمعیت اسلامی افغانستان پس از شهادت رهبر، دچار خلاء رهبری گردید. هرچند تلاش گردید، با تعیین یک سرپرست این خلاء ظاهراً پر گردد، اما در نبود رهبر کارزما، چون استاد شهید، مشکل است این ضایعهٔ جبران ناپذیر به زودی ها جبیره شود. وی اضافه کرد، در مدتی که همه سوگوار بودیم، اما تلاش نمودیم با جوانب دولت، نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و کشور های دور و نزدیک روابط سیاسی خود را منحیث یک حزب تأثیرگذار ادامه بدهیم.

سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان، تأکید کرد که تدویر کنگره در رأس فعالیت هایی این حزب قرار دارد، به ویژه تحولات پیش بینی شده در سال ۲۰۱۴ میلادی برای همه می رساند که احزاب سیاسی در شرایط حساس تاریخی قدرت پذیرش عقلانیت هرگونه تحول را در ابعاد سیاسی و امنیتی کشور باید از خود داشته باشند. وی افزود، از این که طبق قانون اساسی قدرت در کشور از فردی به فردی دیگر در فرایند انتخابات پیش بینی شده است، جمعیت اسلامی افغانستان باید توانایی این را داشته باشد، تا در یک همگرایی بهتر با انسجام مسایل داخلی در انتخابات ریاست جمهوری پرقدرت وارد این عرصه گردد.

بعد از سخنرانی آقای صلاح الدین ربانی بحث آزاد صورت گرفت که اشتراک کنندگان اعم از خواهران و برادران، با ارائهٔ دیدگاه های شان در مسایل حزبی از جمله موضوع برگزاری کنگره تماس گرفتند.

در یک جمع بندی کلی دیدگاه های مطرح شده از سوی اشتراک کنندگان، بر محور وحدت و یکپارچگی درون حزبی، جایگاه زنان در فعالیت های حزبی، تعیین منابع مالی و تاریخ برگزاری کنگره به منظور انتخاب رهبری دور می زد.



به همین اساس، روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته، رؤسای کمیته های فرعی کمیسیون برگزاری مجمع عمومی جمعیت اسلامی، تحت ریاست واقف حکیمی رئیس این کمیسیون، تشکیل جلسه دادند و بالای آجندای اصلی جلسه که، تعیین زمانی برای راه اندازی کنگره و تهیه پول برای مصارف آن، سقف اعضای اشتراک کننده و مواصفات آنها، تقسیم اوقات کاری کمیته ها و تهیهٔ مسودهٔ طرزالعمل انتخاباتی تصیم گرفتند. در این نشست فیصله شد تا کنگره از لحاظ زمانی، در ماه جوزای سال آینده برگزار گردد. بازهم روی تدویر برگزاری مجمع عمومی تأکید شد تا تلاش در زمینه صورت گیرد و داشتن حزب سیاسی خوب را نیاز زمان خواندند.

فرازهای از سخنرانی رهبر شهید در همایش معرفی اعضای کمیسیون تدارک مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان

یکشنبه ۱۱ ثور ۱۳۹۰ هوتل کانتی نینتال - کابل

- مسیر جمعیت با عشق و امید و باخون شهدا رنگین شده و یکی از جریان های پر افتخار این سرزمین است که با ارز ش های تاریخی این کشور حک شده است. اعضای اصیل این سازمان نمی توانند به سادگی خانهٔ خود را به جریان های نو ظهور و فرمایشی تعویض نمایند.
- نهضت اسلامی مبارزات مدنی خود را در زمان نظام شاهی به منظور اصلاحات، از دانشگاه ها شروع نمود و هرگز قصد براندازی نظام را از طریق تفنگ و زور نداشت.
- اعضای نهضت زمانی دست به سلاح بردند که کودتاها یکی پی دیگری در کشور رخ داد و اتحاد شوروی وقت به حریم سرزمین افغانستان تجاوز نمود.
- در دوران جهاد سنگرهای مجاهدین نه تنها کانون هایی برای کنش های نظامی، بلکه برای پخش اندیشه های نو انسانی، سیاسی، علمی و فرهنگی تبارز و در آگاهی دهی مردم نقش اساسی را ایفا نمود.
- مردم تنها طعم تلخ مهاجرت را نچشیدند، بلکه همه شاهد هستیم که با تأسیس مکتب ها، دانشگاه ها و مدارس دینی فرزندان این سرزمین به مراحل مختلف علمی دست یافتند و کدرهای زیادی را تقدیم جامعه نمودند.
- اهداف جمعیت اسلامی افغانستان از ارزش های والای دینی سرچشمه می گیرد و دین عبارت از یک سلسله اصول ثابت، اجتهاد متحول، و فقه متغیر است. دین یک مقولهٔ جامد نیست، دین اصول ثابت دارد، چیزی که در تمام فرهنگ ها و مکتب های فکری وجود دارد.
- جمعیت مصمم است در تصمیم گیری های خود با درنظرداشت حفظ ارزش های ثابت جامعه، نو آوری هایی را که جوابگوی خواست و نیاز تشکیلاتی امروز و فردای جمعیت باشد، مطابق زمان راه اندازی نماید.
- مسلمان نباید از زمان خود عقب بماند بلکه، باید بر اساس فقه فرضی و تقدیری امام اعظم از زمان خود چندگام پیش برود.
- در نخست اصول نامهٔ جمعیت تصویب شود و بر اساس آن از قاعده تا رأس تمام تشکیلات بر اساس اصول تشکیلاتی در نتیجهٔ انتخابات تعیین گردد. برای این کار بزرگ باید تمام اعضای جمعیت خواسته شوند و در این پروسه سهم جدی داشته باشند.
- برخی قضایا به سرنوشت ملت ها تعلق دارد که یکی از آن امنیت است و ما نباید از کنار این همه حوادث بی تفاوت عبور نماییم، باید تلاش صورت گیرد، صلح تأمین شود، تا دیگر شاهد این همه خونریزی ها در کشور نبودم باشیم. صلح نه تنها نیاز ملی ماست، بلکه نیاز جهانی نیز شده است. وقتی جمعیت راجع به موضوع صلح تلاش قدرتمند می کند، باید تقدیر شود، نه زبان درازی هایی بی جا. تاجایی که به ما ارتباط می گیرد، چندین سال پیش در ترکیه موضوع را مطرح کردیم که افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید از طریق گفتگوی سیاسی مشکل حل شود، چیزی که در آن زمان هم دولت و هم قوت های بین المللی سخت مخالف این موضوع بودند.
- مانند بعضی احزاب سیاسی اهداف جمعیت به این خلاصه نمی شود که در قدرت سیاسی حضور داشته باشد، بلکه از آرمان های بزرگ جمعیت این است که در بخش های ممکن در خدمت ملت قرار گیرد.

تاریخ زنده است...

و آنچه به تام قیام مردم نامیده می شود، مداخلات خارجی ها و نفوذ عساکر پاکستانی و ایرانی در افغانستان است و همه به زودی سرکوب می شوند....

زمانی که خبر مهاجرت به صورت روز افزون می شد، رژیم خلقی ادعاکرد که مهاجرت یک امر طبیعی در کشورما است و هرسال تعدادی از کوچی ها در زمستان به طرف شرق می روند... همهٔ این دروغ ها به تکرار گفته می شد و همهٔ مردم دنیا می دانستند که یک رژیم ظالم و دیکتاتور بر مردم به زور و سر نیزه حکومت می کند و همواره این دروغ ها را از رادیو و تلویزیون و مطبوعات پخش می کند... قیام های بزرگ در شرق، شمال، جنوب و غرب کشور صورت گرفت و خیزش های بزرگ مردمی تمام حیله ها و دروغ های رژیم خلقی را غلط و بیهوده ثابت کرد...

در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ قیام بزرگ مردم به همراهی قوای مسلح در هرات آغاز شد... شخصیت های بزرگ مردم در فرقهٔ هرات و قطعات عسکری قیام کردند و ده ها هزار از مجاهدین و دلیر مردان هرات به آنها پیوستند و سلطهٔ رژیم را در هرات با خطر مرگ مواجه ساختند، رژیم خلقی فریاد بر آورد که عساکر ایرانی داخل هرات شده و به خاک ما تجاوز کرده است!

یکی از شخصیت های نامدار قیام هرات ستر جنرال محمد اسماعیل خان بود که به نام تورن اسماعیل خان شهرت داشت و نام او به حیث یک افسر نظامی و متعلق به جمعیت اسلامی افغانستان از مشهور ترین چهره های مجاهدین سرزمین ما است که همهٔ مردم و همه رسانه های معتبر دنیا با نام و شهرت او آشنایی دارند... قیام ۲۴ حوت هرات، قیام خروشندهٔ افسران نظامی و مردم قهرمان است که در تاریخ حماسه های کشور ما در تاریخ مبارزات مردمی دنیا، ثبت است... این قیام مردمی، استخوان بندی رژیم خلقی را در هم شکست و همه دروغ ها و حیله های شیطانی آن را نقش بر آب ساخت....

اسناد چاپ شدهٔ مقامات روسی، نشان دهندهٔ این واقعیت است که رهبران رژیم خلقی از اتحاد شوروی آن روز تقاضا کرده بودند تا به کمک رژیم خلقی بشتابند زیرا رژیم در معرض سقوط قرار دارد!

در منازعات لفظی پرچمی ها و خلقی ها (منتشره در رسانه ها و کتب و مجلات ...) بارها پرچمی ها ادعا کرده اند که دعوت از قطعات شوروی توسط امین و تره کی صورت گرفته بود و بعد توسط کارمل!

پس از قیام ۲۴ حوت، این قیام بزرگ عسکری و مردمی، چنان بزرگ و کوبنده بود که رژیم خلقی ها را به دعوت از شوروی ها وادار ساخته بود! مردم افغانستان، باید خاطرهٔ این قیام مردمی را به یاد داشته باشند و این ورق تابناک تاریخ حماسه های کشور را با جان و دل خویش محفوظ نگهدارند.

عوامل و انگیزه های قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات

ادامه از صفحهٔ اول

بکار بستن آلات شکنجه جان می دادند و عدهٔ که جان سالم بدر می بردند روانهٔ زندان پلچرخی می گردیدند در بین اعضای حزب رسم بر آن بود که از مدیر عمومی به بالا، همهٔ ایشان بعد از انجام کارهای اداری روزانهٔ مربوطهٔ خود به زندانها می رفتند و زندانیان را شکنجه می کردند. پلچرخی یا کشتارگاه انسان های بی گناه، هر شب شاهد جنایات تازه ای بود و زندانیان به چشم سر می دیدند که هر شب تعدادی از برادران شان فرا خوانده می شوند و دیگر هرگز بر نمی گردند. ماشین های زمین کنی از صبح تا شام در پولی گون های پلچرخی و حومهٔ آن فعالیت می کردند تا برای قربانیان شب آینده که می آیند، گودالی را آماده نمایند. و همین که سیاهی شب برچشم ها پرده می افگند لاری ها و نفر برها مملو از زندانیان زنده و مرده و نیمه جان می رسیدند و محمولهٔ خود را در آن کودال های فرو می ریختند و توسط بلدزرها و تراکتورها به روی آنها خاک می ریختاندند و بدین صورت روز های سیاه و خونین یکی بعد از دیگری سپری می شد. و خشم و نفرت مردم فزونی می یافت، که بالاخره افسران مسلمان در قرارگاه های عسکری و روستائیان در دهات و خیابان ها به اقدامات عملی دست می یازیدند که در بسا موارد با درگیری های مسلحانه می انجامید آدم کشان حرفوی بر روی هموطنان خود بی رحمانه آتش می گشودند. و با تمام قدرت و امکانات می کوشیدند تا هر حرکتی را در نطفه خنثی و خاموش سازند. چنانچه عدهٔ از مردم را به نام سرمایه دار و فیودال و عده ای دیگر را به نام ارتجاع سیاه و عده ای را به نام ناسیونالیست های تنگ نظر می کوبیدند و علناً با همه دشمنی می کردند و به اساس منطق نا معقولی (که هرکسی باما نیست دشمن ما است) با تمام مردم افغانستان اعلان جنگ داده بودند. بسیاری از مردم بی گناه و بی خبر از همه چیز را به کشتارگاه ها می فرستادند و بدون پرسان می کشتند و یا حبس و زندانی کرده تا اینکه در فرصت مناسبی بتوانند آنها را نابود کنند در این زمینه به حدی غلو نمودند که در مدت بسیار کوتاهی تمام زندان های کشور در مرکز و ولایات را پر از مردمان بی گناه گردانیده، حتی عده ای را در مخفیگاه ها به اثر شکنجه و لت و کوب می کُشتند و یا علیل و نا توان شان می ساختند. که به طور خلاصه می توان گفت:

که بعد از به قدرت رسیدن حزب دیموکراتیک خلق در افغانستان (در هفتم ثور ۱۳۵۷هجری شمسی) این حزب زیر نام اصلاحات در عرصهٔ زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، تمام انواع افراط گرائی ها را که ممکن بود به کار بست و انجام داد انواع کشتارها، شکنجه ها، زندان انداختن ها و تصفیه ها به اساس فلسفهٔ که قبلا یادآور شدیم (هر کس با ما نیست دشمن ماست) – بلند پروازی های انترناسیونالستی ایدیالوژیکی، توزیع اراضی مردم بدون کدام مدرک قانونی و حقوقی به دیگران زیر نام اصلاحات اراضی و مبارزه با فیودالیزم به شیوهٔ خاص خود، لغو تمام قروضی که صاحبان اراضی به کشتمندان و دهقانان خود پرداخته بودند، به اصطلاح مبارزه با بیسوادی به شیوهٔ مخصوص خود و یا به تعبیر دیگر، جنگ با عرف و عادات مردم درسرتاسر کشور، لغو مهریهٔ شرعی زنان زیر نام تامین (مساوات حقوق مردان و زنان) در جامعه. به طور خلاصه همهٔ اینها مجموعهٔ به اصطلاح اصلاحات انقلابی بود که از جانب حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بعد از کودتای هفتم ثور در افغانستان عملی گردیده بود که عکس العمل های جدی مردم را به دنبال داشت.

و در قسمت تصفیهٔ مخالفان باید گفت: به حدی غلو و افراط گرائی کردند که در مدت بسیار کوتاهی دها هزار نفر را به کام مرگ فرستادند و هزاران انسان دیگر را به زندان ها و میلیون ها را آوارهٔ دیار دیگران ساختند. کشتن بدون محاکمه، زجر و شکنجه، توهین و تحقیر، ضبط اموال و املاک مردم یک امر عادی و پیش پا افتاده گردیده بود که هر یک از اعضای حزب صلاحیت آن را داشتند که چنین کاری را انجام دهند. ظاهر طنین در کتاب خود به نام افغانستان در قرن بیستم از این رفتارها چنین یاد می کند: دستگیر شدگان یا به کشتارگاه معروف به پولیگون پلچرخی و یا به زندان پلچرخی فرستاده می شدند که میان مرگ و زندگی شان فاصله کوتاه بود. زندان پلچرخی خود یک شکنجه گاه به شمار می رفت زندانی ها حق نداشتند با هم صحبت کنند. زندانی ها حق نداشتند در محوطهٔ زندان آزاد گشت و گزار کنند. طی ۲۴ ساعت یکبار جهت رفع ضرورت می توانستند بیرون بروند و هر روز، هر زندانی را که می آوردند کسی نمی توانست از او پرسان کند که به چه اتهام آورده شده، چه جرمی داشته، و در کجا دستگیر شده و یا باشندهٔ کجا است؟ معلوم نیست چه تعدادی در دوران حکومت بیست ماههٔ خلقی ها بقتل رسیدند و یا زندانی شدند. ولی پس از برکناری تره کی، حفیظ الله امین یک لیست دوازده هزار نفری کشته شده ها را اعلام کرد تا نشان دهد که مسوول بازداشت ها و کشتارهای خود سرانه تره کی بوده است. اما سید محمد گلاب زوی یکی از فعالان کودتای هفتم ثور که بعدها عضو دفتر سیاسی و وزیر داخلهٔ وقت گردیده بود، مدعی است که مسوولیت کشتارها و سرکوب ها را امین به عهده داشته است. او علاوه می کند، برخورد در مجموع با مردم بسیار زشت بود. کلتور (فرهنگ) و عنعنات مردم را در نظر نداشته عمل می کردیم بدون محاکمه کشتن، بندی کردن، و اموال مردم را ضبط کردن در هیچ یک از قوانین دنیا وجود ندارد. از جملهٔ بزرگترین اشتباه ما بعد از هفتم ثور این بود که صورت می گرفت به طور مثال، به نقل از (گلاب زوی) چنین حکایت می کند: برای تان بگویم: در مورد موسی شفیق همینکه صبح شد عمل انجام شده بود او را به شهادت رسانده بودند و یا نور احمد اعتمادی. او می گوید من و تره کی صاحب سر چای نشسته بودیم حفیظ الله امین آمد و گفت، تره کی صاحب والله بچه ها این طور یک کار را کردند. از دست تره کی پیاله افتید گفت، چرا اینها مردمان ملی بودند، خوب موقتاً در آنجا می نشاندی شان (موقتا در زندان می بودند) اینها را چرا به شهادت رسانیدید؟ امین گفت: والله بچه ها این کار را کردند. گلاب زوی می گوید: من گفتم امین صاحب فردا تاریخ است در مورد تاریخ چه می گوئی؟ او به پشتو گفت: سید محمد جانه وائی هر حوک تاریخ په خپله گته نوشته کوی. گفت: هر کس تاریخ را به نفع خود نوشته می کند من که نباشم هر چه می کنند بکنند.

بگفتهٔ بارنت روبین افغانستان شناس امریکایی، او می گوید، سیاست سرکوب و ترور از ساده انگاری و برخورد میکانیکی رژیم نسبت به مسائل پیچیدهٔ اجتماعی مایه می گرفت. اساساً آنها می خواستند گروه های را که در میدان قدرت رقیب خود می دانستند از میدان بردارند و همه را به زندان بیندازند و همین امر نشان می دهد که درک و دریافتی که آنها از جامعه داشتند بسیار ساده انگارانه و سطحی نگرانه و از لحاظی مغایر با اخلاق انسانی بود. به این معنی که آنها فکر می کردند، توده های مردم زندانی عناصر نا باب شده اند و یا گروه های ناصالح آنها را به اسارت خود درآورده اند و اگر آنها کار گذاران این گروه ها را بکشند آن وقت مردم از تصورات کاذب خود دست برخواهند داشت و با گروه جدیدی که می خواهد آنها را رهائی بخشد، متحد خواهند شد و این طرز فکر نشان دهندهٔ آن است که آنها از طبیعت و خصلت جامعه و فرهنگ افغانستان هیچ گونه شناختی نداشتند.

که این اعمال و حرکت ها باعث قیام های عمومی مردم به تدریج در گوشه و کنار کشور گردید و قیام های عمومی یکی پی دیگری در ولایات مختلف آغـر می گردید. ـه از جمله قیام های عمومی مردم افغانستان **یکی هم قیام عمومی ۲۴ حوت خونین سال ۱۳۵۷ هرات است** که این قیام به تدریج از قریه ها و روستاها آغاز و به صوب شهر هرات به پیش می رفت. چنانچه که هر روزه مردم در ولسوالی ها دست به اقدامات عملی می زدند و مامورین دولتی از جمله ولسوال ها و سایر مامورین را اگر با مردم همراه نمی گردیدند از سر راه خود آنها را بر می داشتند. ولسوالی های پشتون زرغون، اوبه، غوریان، زنده جان، انجیل، گذره از دیگران پیش قدم بودند. چنانچه اولین اقدامات عملی در مقابل رژیم از قریهٔ (سلیمی) در ولسوالی پشتون زرغون آغاز شد که بعد در قریهٔ (ده نو) در ولسوالی گذره و قریهٔ (مار آباد) در ولسوالی پشتون زرغون و قریهٔ صبیره در ولسوالی اوبه و در قرای از ولسوالی های غوریان، زنده جان، انجیل و گذره قیام های مردم هر روز شدت بیشتری به خود می گرفت. چنانچه به مدت کمی مردم توانستند ولسوالی ها را از دست رژیم آزاد سازند و در روز ۲۳ حوت ۱۳۵۷ مردم هرات با یکدیگر قرار گذاشته بودند که همه مردم از اطراف و نواحی شهر هرات به داخل شهر تعرض کنند و شهر هرات را نیز از دست رژیم آزاد سازند و در همین زمان بود که پیام رهبران مجاهدین از بیرون نیز به مردم مواصلت کرده بود.

مردم به وقت موعود همه از اطراف شهر به صوب شهر با نعره های تکبیر و بیرق های سبز با تزئین کلمهٔ طیبه و الله اکبر به حرکت درآمدند و پُوسته های خُرد و کوچک رژیم را ص۷

حوت خونین در هرات

فدایی هروی / سال ۱۳۵۷ / هرات

فصل بهار بود ولیکن بهار خون
شد روستا و شهر هری لاله زار خون
این مرز باستان شده یکسر دیار خون
پیوست شد به رود هری جویبار خون

گیتی نوای کینه ی دیرینه ساز کرد
فصلی زنو به دفتر چنگیز باز کرد

حزب فریب کار و گروهی وطن فروش
درگاه روس را زغلامان حلقه گوش
یکسر زجام بدعت و بیداد باده نوش
از بارننگ و نام سبکبار کرده دوش

برآبروی ملت و دین پشت پا زدند
بیگانه را به خانه ی ملت صدا زدند

دیگر هرات طاقت بار ستم نداشت
از غیرت و شهامت، خود دست کم نداشت
آزاده تاب بند، چو مرغ حرم نداشت
افغان به پیش غیر سرعجز خم نداشت

دست تهی زاسلحه روزی قیام کرد
وآن روز را به دیده ی دشمن چو شام کرد

یکسو تهیب غرش بمب افکن از هوا
یکسو زمین ز توپ و مسلسل پر از صدا
شد بر فلک زآتش خمپاره شعله ها
تاریک شد زمین و پر از دود شد فضا

افتاد بسکه دست وتن وسر به خاک و خون
شد موج خون بلند بر این چرخ نیلگون

ایمان ببین که در رهٔ دین نقد جان به کف
طفلی به دست مصحف و اِستاده پیش صف
تا دشمنش به تیر مسلسل کند هدف
تاریخ همه به یاد ندارد زما سلف

بر دفتر زمانه چنین انقلاب را
خشمی چنین و شیوه ی قهر و عتاب را

جان ها به راه خاک وطن گر نثار شد
گر کشته ها فزون ز هزاران هزار شد
این بس که چهرهٔ دشمن دین آشکار شد
بیدار ملک و ملت ما زین شعار شد

کازاده زیر بار مذلت نمی رود
اسلام تن به بند اسارت نمی دهد

از اهل حق چو نعره ی تکبیر شد بلند
ابطال را فتاد تزلزل به بند بند
گشتند تابعان کریملن از این گزند
خود بر شرار آتش بیداد خود سپند

طوفان قهر مردم عاصی چو برق زد
آتش به جان ما زمین خوار شرق زد

زا نجا که بود دشمن دین را شعار سرخ
آمد ز خون بی گنهان روزگار سرخ
بازار و جاده سرخ شد و رهگذار سرخ
شد روی و چهرهٔ ملت نگار سرخ

بنگر که سرخ رویی دین ابتکار کرد
تا خصم دون ز معرکه آخر فرار کرد

التهابات فکری جامعهٔ افغانستان

تکساری

بحث التهابات فکری جامعه، ایجاب بررسی های گسترده را می نماید، تا به عمق بحران در کشور دست یافت و راز این التهابات را باز یافت. یک سلسلهٔ التهاب های فکری در جامعهٔ ما و سائر جوامع شبه این جغرافیا وجود دارد. قسمتی از این التهاب ها در کشور ما، میراث حکومت ها و ریشه در عقب ماندگی جامعه دارد و قسمتی را هم افراد مکتب خوانده و با اندیشه های تب آلود به این سرزمین تحویل داده است و موجودیت بحران های عمیق سیاسی و اجتماعی در افغانستان ناشی ازین التهاب ها است.

حکومت ها در افغانستان هیچ گاه به یک جزمیت قاطع در مورد شیوهٔ رهبری نرسیده اند. آنچه در اوضاع و احوال کنونی حائز اهمیت می باشد بازنگری تیوری معرفت است؛ طوری که همه احاد افغانستان به این باور رسیده اند که باید در کشور یک محور مشترک ایجاد گردد، تا همه اقوام ساکن در این محور تجمع نماید، و در این صورت است که در کشور یک حرکت فرا قومی و فرا ملیتی به وجود می آید. قبل از همه این اندیشه در میان تحصیل کرده ها و افراد صاحب اندیشه، احزاب سیاسی و اقوام به پختگی برسد. سقوط در سنگر های کوچک قومیت، کم بهاء دادن به اندیشه های برین ملی و اسلامی، کشور را موج از بی ثباتی فرا می گیرد، زیرا تخدیر افکار، تبلیغات بی رویه و برتر اندیشی ناشی از این التهاب ها می باشد، این گونه تفکر و اندیشه به جای اصلاح تنفر و انزجار خلق می کند.

در موجودیت چنین اندیشه های تب آلود، نه حکومت باز به وجود خواهد آمد، نه جریان عقلانی قوام خواهد پذیرفت و نه هم عدالت اسلامی و مشارکت سیاسی شکل خواهد گرفت. امروز دولت قادر نیست، حتا در مرکز حاکمیت خویش مفاد قانون اساسی کشور را در نظر بگیرد و دستگاه دولت را از آفات و گزند بی مبالاتی نجات دهد.

گفته می شود قدرت مطلقه و بی قانونی استبداد را به وجود می آورد. باید آن را به شیوه های دموکراتیک و قانونی مهار نمود و مقید و مشروط ساخت. مردم به این امید ارادهٔ خود را در نتیجهٔ انتخابات به یک شخص می سپارند که عدالت در اثر تشریک مساعی و همکاری مردم، حاکمیت و ارگان های آن تامین گردد و سطح مطالبات در سطوح دولت مشخص گردد، در غیر آن نظام سیاسی، اجتماعی و تمام واژه های حق و عدالت، پیشرفت، دموکراسی دستخوش یک نوع پارادوکس خواهد گردید و کاری را از پیش نخواهد برد.

در نظام متکی بر بازار آزاد، شعار دموکراسی، باید توزیع درست قدرت، ثروت و انکشاف متوازن صورت گیرد و درک حقوق متقابل اقوام از ویژگی های آن محسوب می گردد، وقتی این مأمول بر آورده نگردد، دیگر دموکراسی حکومت قانون و شعار شایسته سالاری به یک ترفنتد سیاسی تبدیل می گردد.

امروز کسانی که دموکراسی را از لیبرالیسیم فرق کرده نمی توانند و جریان فکری و روش فکری را حتا در کشور خود نمی توانند درک نمایند و از فکر اروپایی یک کتاب را هم تا آخر نخوانده اند، فقط دموکراسی می گویند و چنان با اشتهاء این واژه را به کار می برند که گویا گم شدهٔ خویش را باز یافته اند. دیروز کسانی که بر همه داشته های کشور ما نفرین می فرستاتند و جز اندیشه های تب آلود خویش، دیگران را پوچ و هیچ می خواندند، امروز توسن دموکراسی و آزادی بیان را سر چپه سوار شده و هی میدان، طی میدان به سویی روان اند که خود هم نمی دانند به کجا می روند. در روزگار حاکمیت زبان انگلیسی و کمپیوتر که انسان حافظه و عاطفه اش را به ماشین بخشیده است، چی می توان کرد؟ دولت با تمام قوت و نیرو سرنای دموکراسی را پوف می کند و آوازهٔ این سرنا از کران تا کران جامعه را فرا گرفته است؛ در حالی که در حاکمیت این دموکراسی، بار ها دیده ایم که از مناطق دور و نزدیک مردم به داره الخلافه کابل می آیند، تا دردها و ستم های را که در دوران حاکمیت دموکراسی و قانون اساسی به آنها رسیده است، از تهٔ دل فریاد بزنند، شاید آنها ساده باورانه فکر می کنند که اگر در کابل فریاد بزنی، کسی، یا کسانی پنبهٔ شایسته سالاری را از گوش بیرون می کنند و آن فریاد ها را می شنوند.

امروز افغانستان به یک کالبد شناسی نیاز دارد، هر چه شناخت ما از جامعه کاملتر و دقیقتر باشد، به همان تناسب امکان یافتن راه حل کلیدی بیشتر است. جامعه از جزء موثر به نام فرد به وجود می آید، از زمان تولد یک فرد تا هنگامی که به یک عامل موثر تبدیل می شود، معمولاً به بیست و چند سال نیاز است. این همان دوران است که فرد آموزش می بیند تا به یک عامل موثر تبدیل گردد. حکومت های که در تاریخ معاصر ما گذشته است، کمترین بهاء و ارزش به این افراد داده است. به دلایل مختلف کمترین سرمایه گذاری دولت ها در روی آموزش افراد صورت گرفته است.

برخی از واژه ها و مصطلحات از زمان کودکی برای افراد آموزش داده می شود و آن مفاهم در ذهن افراد نهادینه می شود. با آنکه باید افراد آموزش داده شوند، آموزش داده نشده اند. بر رنگ نمونه واژه های؛ چون: عدالت، نظم، تدبیر و رعایت حقوق دیگران، شناخت خود و دیگران و غیره برای کودک در جهان پیشرفته آموزش داده می شود، تا آنها دنیای ماحول خویش را درک کنند. درک چنین مفاهم در ذهن افراد باعث ایجاد یک جامعهٔ پایدار و با ثبات می گردد، پس از آنکه شخصیت اجتماعی فرد شکل گرفت، فرد قادر می گردد، بسیار چیز ها را بر خود بپذیرد و دیگران را در این مسیر سوق دهد و پایه های ساخت تمدن جدید از این افراد متصور می باشد.

باید گفت که التهاب فکری جامعهٔ ما اساساً از عدم یک برنامهٔ ملی و سراسری در جهت آموزش و پرورش سالم سرچشمه می گیرد، عدم شناخت از اجتماع، حقوق اساسی جامعه، درک سالم ما از دین اسلام اساس التهاب فکری جامعهٔ ما را می سازد، بنا بر این سرمایه گذاری در این بخش که ضامن حیات پر بار آیندهٔ کشور است، به سال های دراز نیاز دارد که افراد در پرتو نظام آموزش و پرورش با چنین رویه بزرگ شوند و با اندیشه های تب آلود خویش وداع نمایند.

ما در عصر زندگی می کنیم که در آن باید جامعهٔ جهانی را یک واقعیت بدانیم نه یک رویا. مفهوم جامعهٔ جهانی بر مبنای روابط مردم استوار است، به سخن دیگر، جامعه شامل واقعیت های اجتماعی و جریان های آن است؛ در حالی که ما در یک جامعهٔ کوچک، در یک بیگانگی به سر می بریم، باید بدانیم که بحث بیهوده یی فلان و فلان، عرب و پارس، عرب و عجم و دموکراسی بادآوردهٔ غرب در نزد مردمان گرسنه و پا برهنه، افسانهٔ آهن سرد کوبیدن فردوسی بزرگ است، چیزی که طنین خوب برای این مردم دارد بازگشت امید به قلب های شکسته از امید است، چگونه می توان در شرایط موجود شمشیر انتقام را در خلاف فرو برد؟ و برای همه یی مردم افغانستان یک محور مشترک ایجاد کرد، این ها و دهه ها پرسش دیگر می تواند ما را به هدف نزدیک سازد.

عوامل و انگیزه های قیام ...

با دست خالی از سر راه خود برداشته و خلع سلاح می کردند. مگر در دو جای در داخل شهر هرات به مقاومت شدیدی روبه روگردیدند، یکی در قلعهٔ اختیارالدین (ارک) و دوم در قوماندانی امنیهٔ هرات بود که آنهم بعد از مدت مقاومت بادادن تلفات از هر دو طرف این هر دو مرکز را مردم بالاخره تسخیر کردند و تقریباً کل شهر هرات دیگر به دست مردم افتاده بود. در این وقت رژیم به فرقهٔ (زلمی کوت (مرکز اردو) امر اُور (آتش) را بالای مردم و شهر هرات داد مگر منصبداران مسلمانان از این امر رژیم سر پیچی کردند و اطاعت نه نمودند و بر بالای مردم آتش نگشودند بلکه، بر عکس به وابستگان رژیم هجوم آوردند و عده ای را از پای درآوردند. در این وقت طیارات جنگی رژیم و شوروی ها از کشورهای همسایهٔ افغانستان به پرواز درآمده شهر و مرکز فرقهٔ زلمی کوت از جمله منطقهٔ پل (رنگینه) محل تجمع مردم و درب قندهار را سخت بمباردمان کردند که به مردم تلفات بسیار سنگینی وارد آمد. و از طرف دیگر به قوای چهار زرهی از جانب قندهار دستور داده شده بود تا با برافراشتن بیرق های سبز بر بالای تانک ها به صوب هرات حرکت کنند و به ظاهر جهت فریب مردم چنان نشان دهند که گویا این قوا به کمک مردم آمده و تا با فریب و نیرنگ بتوانند به شهر هرات داخل شوند که این کار همین طور صورت گرفت و قوای زرهی با نیرنگ و فریب از طریق میرداود داخل شهر هرات گردیدند و به مجرد ورود به عملیات جنگی آغاز کردند که بعد از عملیات جنگی تصفیه ها آغاز شد، به حدی کشتند که جوی ها و سرک ها و بازارها به خون مردم رنگین گردید. تعدادی را که نکشتند دستگیر و شب ها به گورهای دسته جمعی زنده و مرده به گور کردند که در این اواخر گورهای دسته جمعی زیادی در هرات کشف گردیده که شاهد مدعی است. مردم که در آن وقت جنگ با تانگ زرهی را بلد نبودند با کارد و شمشیر و سنگ و چوب به تانک ها حمله می کردند با وجود کشتار بسیار زیادی از مردم باز هم بعضاً مردم با تیل و پترول و فرش و لحاف بعضی از تانک ها را به آتش می کشیدند حتی مردم درختان ناجوی سر بفلک کشیدهٔ خیابان های هرات را اره کرده جلو روی تانک ها می انداختند تا اینکه مانع عبور آنها گردند مگر تانک ها از آنها عبور می کردند و مردم را می کشتند و می رفتند. بعد از شکست، مردم در حمله عمومی مجبور به عقب نشینی گردیدند و رژیم مجدد به شهر هرات مسلط شد. بعد از تسلط رژیم برشهر هرات کشتار مردم آغاز گردید و به حد زیادی از مردم را کشتند و حتی مردم را به زنجیر ها بسته کرده طور دسته جمعی دفن می نمودند که می توان گفت، از آغاز قیام تا تسلط مجدد رژیم بر شهر هرات، بیست الی بیست و پنج هزار نفر از مردم هرات را کُشتند که بعد از این کشتارها تاکتیک جنگ مردم با رژیم در هرات عوض گردید و مردم اجباراً به جنگ های پارتیزانی و چریکی روی آوردند و جبهات خرد و کوچکی را تأسیس نمودند و جنگ را به طور دیگری ادامه دادند که خرابی های شهر و قصبات هرات و مزار شهداء خود شاهد آن است.

بعد از قیام ۲۴ حوت هرات، رژیم دست پاچه شده زمانی این مقا ومت را به ایرانی ها و زمانی به دیگران نسبت می داد. و به باداران خود در اتحاد شوروی التماس می کرد که هرچه زودتر به کمک رژیم نیروی نظامی بفرستند. که بعد از التماس های زیاد، شوروی ها تصمیم گرفتند که به افغانستان نیروی نظامی اعزام کنند. همان بود که در ششم جدی سال بعدی (۱۳۵۸) این تصمیم عملی شد. و افغانستان عملاً اشغال نظامی ارتش سرخ گردید و در واقع قیام ۲۴ حوت ۵۷ هرات کمر رژیم دست نشانده را در افغانستان شکستاند و باعث از هم پاشیدن رژیم گردید که با حضور ارتش شوروی و اشغال نظامی افغانستان بازهم رژیم و حامیانش نتوانستند چیزی را جبران کنند. که بالاخره بعد از چندین سال مبارزه و جهاد بی امان و مقدس مردم افغانستان، رژیم دست نشانده و حامیانش (اتحاد شوروی سابق) را خداوند نابود کرد و کشورهای زیادی بعد از آن، به آزادی و استقلال خود رسیدند. که همه از بر کت جهاد مقدس مردم افغانستان و خون پاک شهدای این کشور است.

سوء زن زر و جامهٔ سفید

بمناسبت قیام ۲۴ حوت هرات باستان

شادروان استاد خلیل الله خلیلی



مبارکست بنام تو افتتاح کلام
تبارک اسمک یا ذالجلال و الاکرام

شام بیست و یک رمضان در گوشه آوارگی در اسلام آباد غرقه در آرزو های در هم شکسته با خود نشسته بودم .اندیشه گذشته گریبان دل را گرفته از سالی به سالی و از شهری به شهری می گردانید . ناگهان قاصدی حلقه بر در کوفت و سالکی گام پیش نهاد. آن یکی را از جامه و دستار نکهت باروت و خون به مشام می آمد و این دیگر در حرف هایش رسالت راستان و شهنامه شهیدان نهفته بود.

آن از امیر مجاهد و سردار ملی و یارانش و شمشیر دارانش حکایت می کرد و این از باغچه انصاریان و الهی گویانش از بهارستان جامی و سخنورانش سخن میراند.گذشت آن روزگاری که شاعری گفته بود:

بشهر عشق ندانم چه فتنه بر پا شد
که قاصد آمد و آهی کشید و هیچ نگفت

اینک به شهر عشق هزاران فتنه بر پا شد، قاصدان آمدند و گونه گونه سخن بر لب داشتند. سخنانی امید بخش، غیرت آفرین، معرکه آرا، تاریخ ساز، نشاط انگیز مانند صبح و روشن چون ستاره و همین گونه سخنانی آلوده بخون شهیدان و اندوده بمرگ جوانان، آغشته بماتم نو عروسان، رنگین بداغ جگر سوختگان و مشحون بدستان گلگون قبایان.

نشستند دفتر دل باز کردند
حدیث درد را آغاز کردند

مرا نیز که روزگاریست بکردار عقاب پر و بال شکسته و آشیان گم کرده در سایه خیبر افتاده، گوش جان نذر اخبار گلگون کفنان وطنم داشته ام فرصت مساعد شد با خود گفتم:

کر شدم تا چند شور حق و باطل بشنوم
بشکند این سازها تا چیزی از دل بشنوم

سر تا پا چشم شدم و پا تا سر گوش، تا از مجموع تصاویری که در بغل داشتند و از انبوه اخباری که در حافظه آورده بودند، بهره اندوزم.

چه تکان دهنده بود تصویر آن معرکه های خونین که نیروی متجاوز ستمگار خونخوار خشمگین شوروی با هلیکوپتر ها و میگ های صاعقه افگن تباه کارش و با تانکهای زمین لرز و توپ های کوه شکنش شهر ها را به آتش کشیده و معموره ها را تل خاک و خاکستر گردانیده. و از سوی نظاره تصویر مردم برهنه پای بی سلاح مظلوم و بیگناه که مرد و زن و برنا و پیر در دفاع از کرامت انسانی، در دفاع از ناموس و وطن پروانه وار خود را به آتش زده و زنده زنده زیر ویرانهای خانه های شان جان سپرد ه اند.

گفتند هرات آن عروس زیبای مشرق که بزرگترین ادیب و دانشمند علامه تفتازانی هفتصد سال پیش آن را ستوده بود، به گرمابهٔ اشک و قلمرو خون تبدیل شده از آن همه مشاهد تاریخی که هر یک یادگار ذوق و هنر انسانی بود نشانی بر جای نمانده، از آن همه باغ های مشحون از ازهار و ریاحین، از آن همه تاکستان های خرم و سرسبز، از آن مزارع بارور و حاصل خیز، درختان سایه گستر و میوه دار، خانه های معمور و روستاهای آباد جز توده های خاک و خاکستر چیزی در میان نیست.

مساجد تاریخی که هریک مظهری از شهکار فن معماری بود به خاک هموار شده، اوراق قرآن در شعله های آتش وحشت سوخته، کتابخانه ها با کتب نفیس محو و مستهلک گردیده، نه از کتاب و مکتب روایتی مانده و از آموزگار و سبق آموز علامتی.

از غوریان تا غور، یکسره خون است و آتش است و دود است و تخریب است. آنچه درآن ظلمتکدهٔ مرگبار می تابد بارقهٔ شمشیر و سر نیزهٔ مجاهدان است و فروغ تکبیر جوانمردان، که انگشت از ماشهٔ تفنگ و پا از عرصهٔ جنگ بر نداشته، سنگ به سنگ و سنگر به سنگر، پشت اهریمن خونخوار عصر را به لرزه در آورده اند.

از قاصدان پرسیدم آرامگاه بزرگان رفته در چه حال است، از مزار شهزاده دودمان نبوت عبدالواحد و قاسم باز گوئید، از آرامگاه خواجه مناجاتیان، از خواجهٔ مودود چشتی، از خواجگان هفت چاه، از تربت رازی، جامی، کاشغری، کاشفی از محدث بزرگ ابوالولید ابوالرجاء و از دیگران و از دیگران .....گفتند هم هپای مال جور و الحاد گردیده.

آنچه را صد ها سال تابش خورشید ریزش برف و باران، بادهای توفنده و طوفان های خارا شگاف از میان نبرده حتی غارتگران مغول در آن به حرمت نگریسته اند این خرابکاران قرن ما، این مدعیان صلح و امن، این دعوی داران حقوق بشر، ویران و با خاک یکسان کردند.

دریغ بر عروس ابنیهٔ شرق، کعبهٔ ثانی، مسجد جامع که انبارگاه افزار تخریب و قتال گردیده. از گلدسته هایش به جای بانگ توحید صفیر گلوله و غریو شیپور جنگ بلند است. رشتهٔ سخن به سوزن زر کشید، سوزنی که در دل میخلد، جگر را می کاود و اعماق مردم چشم را می شگافد.

در هرات رسم است که چون دوشیزه را خواستگار می رسد سوزن طلا را بر دستمال ابریشم سبز خلانده به علامت موافقت به خانهٔ داماد می فرستند. از خانهٔ عروس پیراهن قناویز زربافت سفید را مزید بر دیگر آلات جهیز به خانهٔ داماد هدیه می نمایند.

چون در کشتار بی امان و وحشیانهٔ روس ها هر چه عروس بود به منزل داماد پناه برد. صدها داماد و عروس نوخاسته به خاک و خون غلطیدند و قبای لعلگون شهادتپوشیدند. شب حنابندان به شب خون مبدل گردید.

اکنون بر مزار عروس و داماد به خون خفته، به جای علم ، دستمال سبز و سوزن طلا افراشته شده و پیراهن قناویز زر بافت سفید پیرایهٔ بستر خاک آنها گردیده.

داغ های گلگون بر پارچه های سبز، گوئی لاله حمراست که بر چمنزار بنفشه رسته و افشان خون بر جامهٔ زر تار سپید ستاره های یاقوت فامی است که از مطلع صبح آزادی جوانان تابیده.

یادگار جگر سوخته مجنونست
لاله ئی چند که از مشهر لیلا برخاست

غارتگران شوروی از هیبت مجاهدان جرئت ندارند که به آن یادگار های جاودانی و خلعت آسمانی دست یازند. و شیردلان اسلام گور خانهٔ ایشان آنان را صدف گوهر آفرینش و ناموسگاه اهل ایمان می شمارند و به جان نگه می دارند.

پیام به دوستان

رسد قاصد و پیغام دوستان آورد
خجسته نامه ز یاران مهربان آورد
بسوز گفت چنان قصهٔ مظالم حوت
که شعله ام به جگر آتشم بجان آورد
بجای لاله و نسرین ز گلزمین هرات
گل مزار بخون سرخ گشتگان آورد
سفیر دوست ز دستم گرفت و گام زنان
بکوچه کوچه تاریخ باستان آورد
مرا رساند شتابان بکاخ عدنانی
ببارگاه خدیو جهانستان آورد
یمین ملت و دین شاه بت شکن محمود
که قبه علمش سر بر آسمان آورد
سپس گرفت رهٔ مسند غیاث الدین
شهی که چرخ نظیرش نمی توان آورد
ز دور داد بمن جلوهٔ تخت شاهرخی
ببارگاه شهنشاه شه نشان آورد
بسوی مرقد سلطانحسین بایقرا
بدرسگاه نگارشگر جهان آورد
ز خوابگاه مهین خواجه الهی گوی
هزار ماه و ستاره به ارمغان آورد
برای خاطر رنجور این فلک زدگان
زخاک درگهٔ وی کیمیای جان آورد
سپس نمود مرا جانب خیابان ره
بپای بوس بزرگان راه دان آورد
ز خاک جامیم از بهر گردن اخلاص
چه تحفه ها که ز زنجیر زر نشان آورد
هنوز طی نشده راه من که قاصد یار
از آن بهشت بدریای خون کشان آورد
به شهر ماتم و صحرای داغ و وادی اشک
بسوی مسلخ اهریمن زمان آورد
ز قتل و غارت آدمکشان وحشی روس
چه شرمسار سخنها بداستان آورد
ز پیچ و تاب هریرود به جای خندهٔ موج
غریو کودک و فریاد مادران آورد
بیاد قامت یاران تر بخون گشته
هزار منظره از شاخ ارغوان آورد
ز شامگاه نگارین لعل اندودش
بخون شیر دلان نقش جاودان آورد
بدشت دشت ز شهنامه شهیدان گفت
به شهر شهر ز ویرانه ها نشان آورد
ز جان سپرده عروسان ماه سیمایش
حکایتی که از آن سوخت مغزجان آورد
ز کودکان یتیم گرسنهٔ عریان
فجایعی که نیاید سر زبان آورد
ز برق تیر جوانان جنگجویش گفت
که روز معرکه صد ماه و کهکشان آورد
فدای همت آن مادری که دامن وی
بروزگار چنین قوم قهرمان آورد
خدا شناس و وطنخواه مردمی که زخشم
بلرزه پشت ابر قدرت جهان آورد
ز خوابگاه شهیدان لاله گون کفنش
چراغها چو درخشنده اختران آورد
خوشا بدانش قومی که در دل سنگر
ز اتحاد مثالی بدیگران آورد
جدا ندیده کسی ذوالفقار از خیبر
اگر چه دشمن صد رخنه در میان آورد
دو همدلند و برادر هرات با پنجشیر
قسم به آنکه بهار و دی و خزان آورد
امین خرقه دوشهر است قندهار و هرات
خوش آن دیار که تعظیم خرقتان آورد
یکی است نعرهٔ تکبیر در دل کهسار
چه شیر غزنه چه شهباز بامیان آورد
صدای بلخ و بدخشان صدای گردیز است
بدا کسی که تفاوت به این و آن آورد
خوشم ز عهد و داد امیر اسماعیل
که یاد این دل محزون ناتوان آورد
پی تفقد پروانگان سوخته بال
پیام مشعل رخشان قدردان آورد
به فصل پیری من شعر نغز و رنگینش
چمن چمن گل و نسرین و ضیمران آورد
بپاس چشم گهر بار اشک آلودم
چکامه ئی گهر اندود و گلفشان آورد
به مرغ بی پر و بال ز آشیان مهجور
بیادگار نشانی ز آشیان آورد
خجالتی که مرا آب میکند این است
که سیل پیری در پیکرم زیان آورد
نه قدرتی که نهم پای خویش را برکاب
نه طاقتی که توان دست در عنان آورد
ز دور گرم شوم در شراره دگران
مذلتی است که شرم است در بیان آورد
گذشت عمر شده مانعم که میگویند
درخت خشک نباید ببوستان آورد

وحید مژده

پیامد های بازی امریکا در منطقه

ادامهٔ شمارهٔ قبلی

این اهمیت زمانی برجسته شد که در جریان جنگ هند و پاکستان و بعد از آن در هنگام منازعهٔ کارگیل، بندر کراچی در محاصرهٔ نیروی دریائی هند قرار گرفت. از آن به بعد، کار روی بندر گوادر بعنوان بخشی از برنامهٔ استراتژیک پاکستان در تنوع بخشیدن به امکانات بندری هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی، در محراق توجه زمامداران این کشور قرار گرفت.

با توجه به سرمایه گذاری چین در این بندر، شایعاتی هم وجود دارد که چین می خواهد از این بندر به عنوان یک پایگاه نظامی دریائی در اقیانوس هند جهت حفظ منافع رو به رشد خویش در منطقهٔ حساس خلیج فارس استفاده نماید.

امریکا هدف خویش از مهار چین را پنهان نکرده است و بنابراین منطقهٔ بلوچستان پاکستان، در استراتژی دراز مدت امریکا در جنوب آسیا از اهمیت ویژه برخوردار است. بلوچستان در مجاورت ایران می تواند در محاصرهٔ ایران نقش مهم ایفا نماید.

اما طرح حمایت از تجزیهٔ بلوچستان به وسیلهٔ امریکا، گذشته از ایران، برای منافع امریکا در افغانستان نیز بسیار مهم است. طرح بلوچستان بزرگ، ولایت نیمروز افغانستان را هم شامل می شود.

اکنون سوال اینست که جایگاه افغانستان در این بازی در کجاست؟

یک امکان اینست که اگر امریکا با طالبان و حزب اسلامی به توافقی دست نیابد و آنها همچنان به خروج نیروهای امریکائی از افغانستان پافشاری نمایند، امریکا ناچار خواهد شد تا مناطقی از جنوب را به طالبان رها نماید. امریکا در جنگ افغانستان علیه طالبان و در جنگ علیه نیروهای قذافی در لیبیا این تجربه را به دست آورده است که چگونه با حمایت هوائی از نیروهای بومی طرفدار خویش در زمین، نیروهای مخالف خود را در موضع تدافعی قرار دهد. بعد از سال ۲۰۱۴ جنگ افغانستان مجددا به جنگ داخلی تغییر شکل خواهد داد و امریکا در پایگاه های خود در داخل افغانستان خواهد خزید و برای نیروهای هواداران خود پوشش و حمایت هوائی فراهم خواهد کرد. شاید هم گاهگاهی نیروهای مخصوص آن کشور به حملات شبانه دست بزنند.

دو سال قبل، دولت امریکا اعلام نمود که تحقیقاتی که بعضی از نهادهای تحقیقاتی در مورد ذخایر معدنی افغانستان انجام داده اند نشان می دهد که این کشور به ارزش بیش از یک هزار میلیارد دالر ذخایر مختلف زیر زمینی دارد.

میزان ذخایر معدنی افغانستان مسئله ای نیست که به تازگی کشف شده باشد. از ده ها سال قبل همه می دانند افغانستان سرشار از ذخایر گرانبهای معدنی است اما حکومت های مختلف در افغانستان جزئیات این مسئله را مخفی نگهداشته بودند زیرا امکان داشت افراد یک قوم که ذخیره ای از یک مادهٔ گرانبهای معدنی در منطقهٔ مسکونی آنان قرار دارد، به این فکر بیافتند که وقتی چنین گنجی را در اختیار دارند پس چرا باید آنرا با دیگران قسمت کنند؟ در این صورت نتیجه گرفته می شود که کوچکتر بودن به معنی ثروتمند تر بودن است. این مسئله می توانست به نوعی تلاش در جهت خود مختاری محلی و بعدا تجزیه منجر گردد.

حکومت های گذشته در افغانستان در کنار نامساعد بودن شرایط اقتصادی و تخنیکی یعنی نبود کادرهای فنی داخلی که می توانست بخش بزرگی از عاید حاصله را به جیب متخصصین، کمپنی ها و کشورهای خارجی بریزد، شرایط سیاسی در کشور را نیز در نظر داشتند یعنی ترس از اینکه ذخایر معدنی افغانستان موجب گردد تا کشورهای خارجی در رقابت بر سر تصاحب این منابع، افغانستان را بی ثبات سازند. درست همین نگرانی را رئیس جمهور کرزی پس از اعلان اینکه در افغانستان منابع عظیم معدنی وجود دارد، ابراز نمود. پس می توان گفت که اعلام میزان ذخایر معدنی افغانستان در چنین موقعیت حساس، می تواند بخشی از همین توطئه به منظور تجزیه باشد.

کشورهای کوچک را می توان آسانتر کنترول کرد و تجربهٔ نه سال جنگ بی حاصل امریکا در افغانستان نشان داد که این کشور را نمی توان به آسانی کنترول نمود اما وقتی بخشی از این کشور از پیکر اصلی آن تجزیه گردد، جنگ داخلی این کشور را به پارچه های بیشتری تقسیم خواهد کرد که این تقسیمات بر بنیاد قومی صورت خواهد گرفت.

مشکل بزرگ در راه تجزیه، مسئلهٔ کوهستانی بودن افغانستان است. اگر بخواهیم مرز طبیعی موثر میان شمال و جنوب را به صورت احتمالی مشخص سازیم، این مرز را فقط دیوار سلسله جبال هندوکش می تواند به میان آورد. دیواری که اسکندر مقدونی را مدت ها در جنوب این سرزمین سرگردان ساخت و مرزی که بعد از قرن ها، طالبان را تا مدت ها از دسترسی به شمال افغانستان بازداشت و هدف از انفجار تونل سالنگ به دستور احمد شاه مسعود، نیز ایجاد مانع برای رسیدن نیروهای طالبان به شمال بود.

اما کار تجزیه به سهولت صورت نخواهد گرفت. برای این کار لازم است تا ترکیب قومی در شمال باید تغییر نماید. پشتون ها در شمال، در گذشته به نفع گسترش حاکمیت طالبان نقش داشتند. کسانی که خواهان تجزیهٔ افغانستان اند، مدت ها قبل این حرکت را به صورت خزنده آغاز کرده اند.

امریکا می خواهد تا مخالفینش در جنوب احساس آرامش نکنند و درگیر جنگ در جبهات متعدد باشند. موقعیت ولایت نیمروز در کنار ولایت هلمند، جائی که پایگاه قدرتمند طالبان در طول سال های جنگ با امریکا بوده است، به عنوان یک مزاحمت علیه طالبان می تواند مهم باشد. بلوچ های تجزیه طلب پاکستان هم به امریکا وعده داده اند که با طالبان مبارزه خواهند کرد. نه تنها جنوب و شرق بلکه ولایات شمال کابل و نیز ولایت هرات در غرب، بار بزرگ این جنگ را به دوش خواهند کشید. جنگ قومی به مهاجرت های وسیع خواهد انجامید و مصائب بزرگ بشری را به میان خواهد آورد.

منطقه نیز از تبعات جنگ قومی در افغانستان در امان نخواهد ماند. شاید روسیه از ترس نفوذ طالبان به سوی شمال، زیاد با این کار امریکا مخالف نباشد و تدارک رسانی امریکا را از مسیر این کشور اجازه دهد اما ایران، چین و پاکستان با این کار به شدت مقابله خواهند کرد. کاری که به روسیه در جنگ افغانی امریکا موقعیت انحصاری خواهد بخشید و امریکا را متکی به روسیه خواهد ساخت.

بخش بزرگی از مواد اولیهٔ مورد ضرورت مردم در شمال افغانستان از پاکستان و ایران تدارک می شود و حتی بعضی از این مواد تا به آسیای میانه نیز راه باز کرده است. در صورت تجزیه، این مسیر قطع خواهد شد. وقتی مبادلات بازرگانی جنوب با شمال قطع گردد، آیا امریکا توان آنرا دارد تا بدیلی برای تدارک این نیاز بزرگ مردم در شمال افغانستان به میان آورد و وابستگی شمال به جنوب را از میان ببرد؟

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و آزادی آسیای میانه، از نقش افغانستان به عنوان پل ارتباط میان آسیای میانه و جنوب آسیا سخن در میان است. نقشی که می تواند پیامد های مثبتی برای افغانستان و منطقه داشته باشد. اگر طرح تجزیهٔ افغانستان عملی شود، و یک کشور محاط به خشکه به دو کشور تقسیم شود، این پل به دیوار مبدل خواهد گردید.

اینها همه احتمالاتی است که در صورت تداوم حضور امریکا در افغانستان، مردم این کشور و کشورهای منطقه به آن مواجه خواهند شد.

بنابراین حمایت امریکا از تجزیه طلبی بر بنیاد های قومی در این بخش از جهان، که حفظ منافع استراتژیک امریکا آنرا ایجاب می نماید، در عمل به سادگی ای که رورا باکر و همفکرانش در کنگرهٔ امریکا مطرح می کنند، نیست بلکه تداعی کنندهٔ بازی با آتش است. اما اگر امریکا بخواهد این بازی را در این منطقه به پیش ببرد، بازندهٔ اصلی این بازی افغانها خواهند بود درحالی که امریکا هم به پیروزی دست نخواهد یافت. با چنین پیامد های ناگوار، آیا ما شاهد پایان یک امپراتوری دیگر هستیم؟

په سیمه کې د تاؤ تریخوالي...

چاودنه ترسره شوه چې ورته د سرحد وزیر اعلی هم ورغلی وو او دې حملې هم ځنې شمیر سالي او خاني تلفات لرل او د یوې اوږدې مودې له کرارۍ وروسته د عوامي نیشنل ګوند غونډې پر ځل بیا په نښه شوې.

چې په پاکستان کې معمولاً داسې پېښې د پښتنو ملتپالو په غونډو کې ترسره کیږي او کله کله د هغو اسلامپالو په غونډو کې هم ترسره کیږي چې د پښتنو سره تعلق لري چې د بلوڅو او پښتنو پر خلاف منظم سازش د یوې منظمې دمېشنې ترجماني کوي؛ ځکه دغه دواړو توکمونو د هر بیکیلاك پر خلاف د تاریخ په اوږدو کې مبارزه او مقابله کړې ده.

له دغې پېښې وروسته بله پېښه د ګلګت د چیلاس په لور د شیعه ګانو په یو بس باندې حمله وه چې یکې د سرك دواړو غاړو ته د کمین نیونکو لخوا دغه بس د سورلیو راکوزول او په هغوی باندې ډزې کول بله هغه دسیسه ده چې نسائي موخه یې د شیعه او سني ترمنځه د جګړې د اور بلول اوسي. د دا ډول خو بعدي حملو په نتیجه کې پاکستان له پل هر وخت څخه د زیات ګواښ سره مخ دی.

او همدارنګه د قرآن کریم د سوځولو وروسته په افغانستان کې رامنځته شوې د ناامنۍ او ګډوډۍ پېښې هغه څه دي چې د سیمې دواړه هیوادونه یې د ناامنیو او جګړو له نوې څپې سره مخ کړي دي خو بیا هم د سیمې د دواړو لوریو د واکمنانو چیغې او سورې همدا وي چې افغانستان پاکستان تورنوي او ددې انتظار باسي چې په سیمه کې ورته پیښې سنوټري تریوالیل خواکونه. تاؤ او نور حل کړي. د افغانستان د حکومت دننه ښیني کړي، همیش په رسنیو کې داسې څرګندوني کوي چې د سیمې ددې دواړو هیوادونو ترمینځه د باور د فضا پر ځای بې باوري نوره هم زیاتوي؛ پداسې حال کې چې په دولت کې ډندوره ایز پراخه اداري فساد، اختلاسونه، خیانتونه، د ضوابطو پر ځای د روابطو پالل او کارونه او دندې له وزارتونو څخه نیولې تر ماموریتونو پورې او وړتیا ته لرونکو خلکو ته سپارل، د تریوالو سګلرانو شتون، مخدره مواد او له ټولو زیات د خپل ولس د اسلامي او ملي ارزښتونو پر خلاف پالیسي غوره کول ورته نه ښکاري چې لاهله یې د ولس په مسلمانو پرګنو کې نور باور له لاسه ورکړی.

تعیین وزرای جدید...

بقیه وزیران خود به مجلس میل چندانی نشان ندهد بی میلی رئیس جمهور در زمینه اکثریت اعضای مجلس را ناراحت کرده بود. حتی چندی پیش از این تعداد زیادی از این وکلا تصمیم گرفته بودند که به دلیل در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوی قوهٔ مجریه حاضر اند دسته جمعی استعفا بدهند.

در حالی که جنجال بر سر تأیید وزرای پیشنهادی خاتمه یافته است، هنوز افراد مورد نظر رئیس جمهور کرزی برای احراز کرسی های دادستانی کل،(لوی سارنوالی) ریاست جمعیت هلال احمر، ریاست دادگاه عالی (ستره محکمه) و چهار عضو آن، هنوز معلوم نیست. این افراد نیز براساس قانون باید از جانب رئیس جمهور برای گرفتن رای به مجلس نمایندگان، معرفی شوند درعین حال مجلس نمایندگان چندی پیش گفته اند که برخی از ریاست های عمومی دیگر نیز از مجلس نمایندگان باید رأی اعتماد بگیرند.

فساد درگزینش کارکنان خدمات ملکی

به دلیل فساد گسترده هنگام گزینش کارکنان خدمات ملکی در اداره خدمات ملکی کمیسیون اصلاحات اداری و ریاست ارگان های محل، اعتراض نمایندگان مردم را در مجلس برانگیخته است. وظایف اصلی این دو نهاد متذکره تعیین ماموران خدماتی ملکی از بست دوم به بالا، به شمول والی ها، معاونان والی ها و ولسوالان با رویکرد اصلاح اداره در جامعه می باشد. اما تجربه نشان داده است که ریاست های متذکره هنگام گزینش افراد تحت تأثیر شرایط حاکم در فضای سیاسی این کشور شده اند. هرچند ریاست های متذکره از لحاظ قانون اساسی، در حال حاضر مکلف به گرفتن اخذ رأی اعتماد نیستند، اما بی عدالتی در این ارگان ها طی چند سال گذشته نشان می دهد که باید این گونه نهاد ها دربرابر اعمال شان به مراجعی که نمایندگی از مردم کرده بتواند، پاسخگو باشند.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و هشتم ۲۰ حوت ۱۳۹۰ ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۳۳ - 10 March 2012

شفیق

په سیمه کې د تاؤ تریخوالي نوې پیښې او لاملونه یې

تیره اونی کـه لـه یـوې خـوا پـه افغانـستان کـې د بـاگرام پـه هـوایي اډه کـې د امریکـایي پوځیـانو پـه لاس د مـسلمانانو د مـؤمن بـه کتـاب د نـسخو د سوځولو د غنـدنې پـه توگـه د راوتلـو لاریونونـو پـه نتیجـه کـې هیـواد د نـا امنیـو د گڼـو پیښو سـره مـخ شـو او پـوره یـوه اونـی د مظـاهرو لـړی دوام وموندـه؛ چـې د ننگرهـار ولایـت څخـه د پیـل شـوو او د هیـواد گـوټ گـوټ تـه رسیدلو مظـاهرو پـه دوران کـې د قهرجنـو مظـاهرینو لخـوا د تیگـو پـه وارولـو او د امنیتـي ارگـانونو لخـوا د ډزو پـه نتیجـه کـې لـه دیرشـو څخـه زیـات زمـونږ هیوادوالـ شـهیدان، مـړه او د دوه وو سـوو پـه شـاوخوا کـې ټپیـان شـو او څلور امریکـایي عـسکرو هم د ننگرهـار پـه خوگیـانیو او د کورنیـو چـارو وزارت پـه دننـه کـې د قـرآن کـریم سـوځولو د منطقي انجام پـه توگـه خپـل ژوند لـه لاسه ورکـړ او پـه څینـو نـورو ولایتونـو کـې بیـا المـاني او الباني عسکرو ته هم مرگ ژوبله واوښته .

لـه بلې خوا د پولې هغـه غـاړې پـه پیښور، پنجـاب او اسـلام آبـاد کـې هـم مـسلمانانو، د امریکایـانو ددغـه عمـل د غنـدنې پـه توگـه مظـاهرې وکـړې خـو د هغـه ځـای مظـاهرې پر امنـه او زمـونږ پـه هیـواد لـه تـشدده او نـا امنیـو ډکـې وې . چـې د تـوپیر عمـده لامـل یې پـه هیـواد کې د لاریونونـو د فرهنگ سـره د خلکو او پولیسو دواړو نه بلدتیا وه .

همدارنگـه لـه بلـې خـوا هغـه نـسبي امنیت بیـا گـډوډ شـو چـې د پـولې دواړو غـاړو تـه موجود وو؛ څکه پـه هیـواد کـې دننه یو ځل بیا بمـي بریدونـه او انفجـارات ترسـره شـو لکـه پـه ننگرهـار، خوسـت، هلمنـد او نـورو سیمو کـې؛ چـې هر یـو یـې ځانتـه ځـانگړي ملکـي او نظامي تلفـات لـرل او پـه څینـو کـې بهرنیـو ځواکونـو تـه هـم زیـان وراړول شـوی دی لکـه چـې د ننگرهـار پـه ولایـت کـې د هـوایي ډگر مخـې او د هلمنـد ولایت پـه بریدونو کـې یـې گڼ شمیر تلفـات یـې لرل .

خـو ددې تـر څنگـه پاکستان لـه افغانـستان څخـه هـم، ډیـر د نـا امنیـو او تـشدد لـه پیښو سره مـخ دی؛ څکـه لـه یـوې خـوا ددغـه هیـواد پـه بلوچـستان سـیمه کـې د پـوځ او اسـتخباراتو لخـوا د بلوڅـو د لیـډرانو د نیولـو لـړی خپـل منطقـي مـسیر خپـل کـړی چـې د پاکـستان پـوځ لخـوا د مـشرف د واکمنـی لـه مهالـه د نـواب اکبـر بگټـی د بـې رحمانـه وژنـې او نـورو بلوڅـو ملتپالـه مـشرانو وژنـو او ورکیـدلو د بلوڅـو قربـانی تـه رنـگ ورکـړ او د هغـوی د مظلومیت چیغـې تـن د امریکـا د کـانگرس غـونډې هـم بینـا کـړې او د پاکـستان پـه حکومـت بانـدې د فـشار راوړلـو پـه توگـه یـې د بلوچـستان د یـو خپلـواک ریاسـت د طرحـې د رااوچتولـو نانـدرۍ پیـل کـړې چـې پـه نتیجـه کـې یـې د پاکـستان د امریکـا پلـوې کورنیـو چـارو وزیـر رحمـن ملـك ژبـه هـم پـدې گویـا کـړه چـې نـور بـه د بلوڅـو د وژلـو او تـرې تـم کیـدو لـړۍ پـای تـه ورسـیږي او د پاکـستان سیاسـي مـشرانو د بلوچـستان د وضـعې د څیړلـو پـه منظـور د کنفرانـسونو تابیـا ونیولـه . خـو پاکـستان تـه یـوازې پـه بلوچـستان کـې ستونزه نـده پیښه؛ بلکـې یـوازې تیره اونـی د نـورو ورو پیـښو ترڅنگـه پـه پاکـستان کـې څلـور داسـې غټـې پیـښې رامینځتـه شـوې چـې هـره یـوه یـې ډیـر تلفـات لـرل؛ د تیـرې اونـی پـه سـرکې پـه پیـښور کـې د بـسونو پـه کوهـاټ اډه کـې یـوه چاودنـه وشـوه چـې د لـسو پـه شـاوخوا کـې ځـاني تلفـات یـې هـم لـرل، وروسـې د پیـښور پـه مرکـزي سـیمه کـې د پولیـسو پـه یـوه داسـې تهانـه بانـدې د دریـو تنـو اورپکـو لخـوا حملـه وشـوه چیـرې چـې گڼ شـمیر پولیـسو هلتـه دمـه کولـه او د اورپکـو پـه شـمول پکـې څلـور تنـه پـه پهـره ولاړ پولیس مـړه او گـڼ شـمیر نـور ټپیـان شـول چـې د حملـه کوونکـو موخـه پدغـه پـولیس مرکـز بانـدې قبضـه کول وو.

لـدې پیـښې وروسـته د نوښـار پـه سـیمه کـې د یـو ملتپـال گونـد عـوامي نیـشنل گونـد د هغي غونډې په یوه برخه کې ۷مخ

یک قریهٔ ۲۰۰ نفری زیر آوار برف در بدخشان فرو رفت

هوشنگ

در ولسوالی هـای شـکی و نـسی ولایـت بدخـشان ریـزش برف خسارات هنگفت جـانی و مـالی را بـه مـردم محـل بـه بـار آورد. از چنـدین روز بدینـسو مردمـان همجـوار بـا وسـایل ابتدایی در تلاش انـد، تـا قربانیـان بـرف کـوچ در قریـه شـیرین نظـم ولـسوالی شـکی و روسـتای جـدی را در و لـسوالی نـسی از توابع دروازهـا، بیـرون بکـشند. مقامـات مـی گوینـد، مردمـان محل با وسایل ابتـدایی در تـلاش انـد، تـا قربانیـان بـرف کـوچ را بیرون بکشند.

گـزارش هـای تأییـد شـده حـاکی ازآن اسـت کـه تـا بـه کنـون بـیش از ۵۰ جـسد از زیـر آوار بـرف و مخروبـه هـای منـازل بیـرون کـشیده شـده انـد. تعـداد تلفـات مواشـی را نیـز بـیش از ۸۰۰ رأس گفتـه انـد. قریـه شـیرین نظـم ۲۰۰ نفـر نفـوس دارد کـه در شـب حادثـه تنهـا سـه نفرآنـان در محـل حضور نداشته اند. به گفتهٔ شـاهدان عینـی تـا بـه کنـون ۷ نفـر زخمی از زیر مخروبه ها بیرون کشیده شده است.

نماینـدگان مـردم بدخـشان در ولـسی جرگـه مـی گوینـد: از این که چند روز شده اسـت مردمـان در زیـر آوارهـا گیرمانـده انـد، امکـان زنـده مانـدن دیگـر انـسان هـا بعیـد بـه نظـر مـی رسد.گفته می شود، زمانی کـه بـرف کـوچ شـب دوشـنبه تـاریخ ۱۴ حـوت بـه وقـوع پیوسـت، تمـام قریـه در زیـر بـرف فـرو رفـت. یـک روز بعـد از وقـوع ایـن حادثـه نماینـده هـای مـردم بدخشان در ولـسی جرگـه طـی کنفـرانس مطبوعـاتی از دولـت افغانـستان، جامعـهٔ بـین المللـی و کـشورهای کمـک کننـده خواستند، تا به کمک مـردم گیـر مانـده در زیـر آوار هـا بـشتابند. خـانم فوزیـه کـوفی نماینـدهٔ مـردم بدخـشان، تـصریح کـرد: وضـعیت رقـت بـار مـردم در درواز بدخـشان بـه یـک سـونامی خاموش می ماند کـه از دیـد عمـوم و جامعـهٔ جهـانی بـدور مانـده اسـت. وی افـزود، در صـورتی کـه بـرای نجـات گیرمانـدگان تلاش صـورت نگیـرد، دامنـهٔ ایـن فاجعـه سراسـر سـایر ولـسوالی های همجوار را فرا خواهد گرفت.

ذکریـا سـودا نماینـدهٔ دیگـری مـردم در مجلـس نماینـدگان در تماس با رسـانه گفـت: یگانـه راه کـه مـی تـوان بـه مـردم آن منطقـه در حـال حاضـر کمـک کـرد، پرتـاب بـسته هـای مـواد غذایی از طریق هوا می باشد.

شـمس الـرحمن معـاون والـی بدخـشان گفتـه اسـت کـه دو هلیکـوپتر را کـه وزارت دفـاع روز چهارشـنبه بـرای کمـک فرستاده بـود، بنـابر خرابـی هـوا نتوانـستند در ایـن قریـه نشـست کننـد. امـا بـه گفتـهٔ وی طیـاره هـای وزارت دفـاع در مرکـز ولـسوالی شـکی فـرود آمدنـد، تـا بـه مـردم آسـیب دیـده کمـک نمایند. از سوی دیگر گفته شـده اسـت کـه اولـین گـروه کمکـی از مـردم ولـسوالی هـای همجـوار بـه آنجـا رسـیدند. بـه گفتـهٔ شـمس الـرحمن معـاون والـی بدخـشان، در حـدود ۱۰۰ نفـر از مردمان محل بـا بیـل و سـایر وسـایل ابتـدائی بـه پـاک کـردن برف پرداخته اند، به امید ایـن کـه اگـر کـسی در میـان آوارهـا زنـده مانـده باشـد، آن را نجـات دهنـد. درعـین حـال گفتـه شـده است که یک گروه نجـات همـراه بـا وسـایل گـرم کننـده و مـواد غـذای و دارو، از مـرز کـشور همـسایه تاجیکـستان بـه محـل حادثه رسیده است.

در عـین حـال یـک هیـأت دولتـی همـراه بـا برخـی از نماینـدگان مـردم بدخـشان همـراه بـا یـک مقـدار از امکانـات و مواد اولیه به محل حادثـه رفتـه انـد، تـا بـه آسـیب دیـدگان ابـراز همـدردی نماینـد. بـر اسـاس گفتـه هـای شـاهدان عینـی آمـار تلفـات در ایـن حادثـه، نـسبت بـه سـایر حـوادث طبیعـی کـه امسال در سراسر افغانستان رخداد به مراتب بیشتر است.

زمسان امسال یکی از سـخت تـرین زمـستان هـای بـود کـه دسـت کـم طـی سـی سـال گذشـته در کـشور سـابقه نداشـته است. در نتیجه سـردی هـوا ریـزش بـرف هـای متـوالی در سـال که هنوز چند روز دیگر بـه خـتم آن بـاقی مانـده اسـت، بـیش از ۱۵۰ نفـر در سراسـر کـشور کـشته و ده هـا مـریض و زخمـی برجای گذاشته اسـت. حادثـهٔ اخیـر در ولایـت بدخـشان، یکـی از فاجعـه بـارترین رویدادیـست کـه قربانیـان زیـادی را در پـی داشت.

اندیشه

تأیید وزرای جدید، پایان یکی از جنجال برانگیزترین موضوع سیاسی کشور



پـس از دو سـال جنجـال برسـر موضـوع سرپرسـت وزراء اواسـط هفتـهٔ گذشـته مجلـس نماینـدگان بـه ایـن جنجـال پایـان داد. مجلـس نماینـدگان روز سـه شـنبه بـه تمـامی ۹ وزیـر پیشنهادی آقای حامد کرزی رئیس جمهور رأی مثبت دادند.

از ۹ وزیـر کـه رأی اعتمـاد گرفتنـد، ۷ نفـر شـان کـسانی بودند که در دور قبلـی مجلـس نماینـدگان، بـا رأی مخـالف روبـرو شده بودند، اما رئـیس جمهـور کـرزی آنهـا را بـه عنـوان سرپرسـت در وزارتخانـه هـای مختلـف منـصوب کـرد و دسـت کـم دوسـال می شد که هفت وزارت را مدیریت می کردند.

پیش از مراسم رأی گیـری هـر یـک از ایـن افـراد، ظـرف سـه روز اخیر در مجلس نماینـدگان حاضـر شـده و برنامـه هـای کـاری خـود را تـشریح کردنـد. گفتنیـست کـه در روز رأی گیـری فـضای عمومی ولسی جرگه، کاملاً مثبت به نظر می رسید.

چراغ سبز

خوشـبینی و یـا نـشان دادن چـراغ سـبز از سـوی وکـلای مردم نسبت بـه وزراء وقتـی معلـوم گردیدکـه ایـن مجلـس تعـدیل را در مـادهٔ ۷۶ اصـول وظـایف داخلـی خـود بـه بـارآورد. پـیش ازآن مـادهٔ متذکره اجـازه نمـی داد بـه کـسانی کـه یـک بـار رأی نـه گرفتـه انـد دو باره در عین پست از سوی رئیس جمهور پیشنهاد گردد.

اما آرای بـه دسـت آمـده نـشان داد کـه، وکـلای مـردم در پارلمـان با چقـدر تغییـر ذهنـی آمـاده بـرای دادن رأی شـده بودنـد. آرای تأییـدی ۲۴۱ نمایندهٔ حاضر در مجلس، به هریک وزراء قرار ذیل است:

ویـس برمـک، (۲۱۲) بـرای وزارت انکـشاف و دهـات، بـه همـین ترتیـب، حـسن عبـداللهی وزارت شهرسـازی و نجیـب الله اوژن وزارت فوایـد عامـه ۲۰۷ رأی تأییـد، ثریـا دلیـل وزارت صـحت عامـه و عبیـدالله عبیـد وزارت تحـصیلات عـالی ۱۹۹ رأی تأییـد، حـسن بـانو غـضنفر وزارت زنـان ۱۹۱ رأی تاییـد، امیـرزی سـنگین وزارت مخـابرات ۱۹۰ رأی تأییـد، و داوود علـی نجفـی در وزارت ترانـسپورت و محمـد اسـماعیل در وزارت انـرژی و آب بـا دریافـت ۱۷۹ و ۱۷۵ رأی، مورد تأیید مجلس نمایندگان قرار گرفتند.

پایان جنجال

از میان ۹ وزارتخانهٔ کـه حـالا رسـماً وزیـر دارنـد، آنگونـه کـه قـبلاً گفتـه شـد، امـور هفـت وزارتخانـه در بـیش از دو سـال اخیـر توسـط سرپرست ها اداره مـی شـد، موضـوعی کـه بـا انتقادهـای زیـاد مجلـس نمایندگان و مخالفان سیاسی آقـای کـرزی روبروگردیـده بـود. امـا تأییـد وزرای جدیـد بـه یکـی از جنجـال برانگیـز تـرین مـسایل در فـضای سیاسی کشور پایان داد.

ایـن مـسئله در بـیش از دو سـال قبـل، باعـث بـروز تـنش هـای زیـادی در روابـط رئـیس جمهـوری و مجلـس نماینـدگان شـده بـود. رد صلاحیت ۱۷ وزیـر پیـشنهادی آقـای کـرزی در زمـستان سـال ۱۳۸۸ از سوی مجلس، باعث شد که آقای کرزی در معرفی ص۷